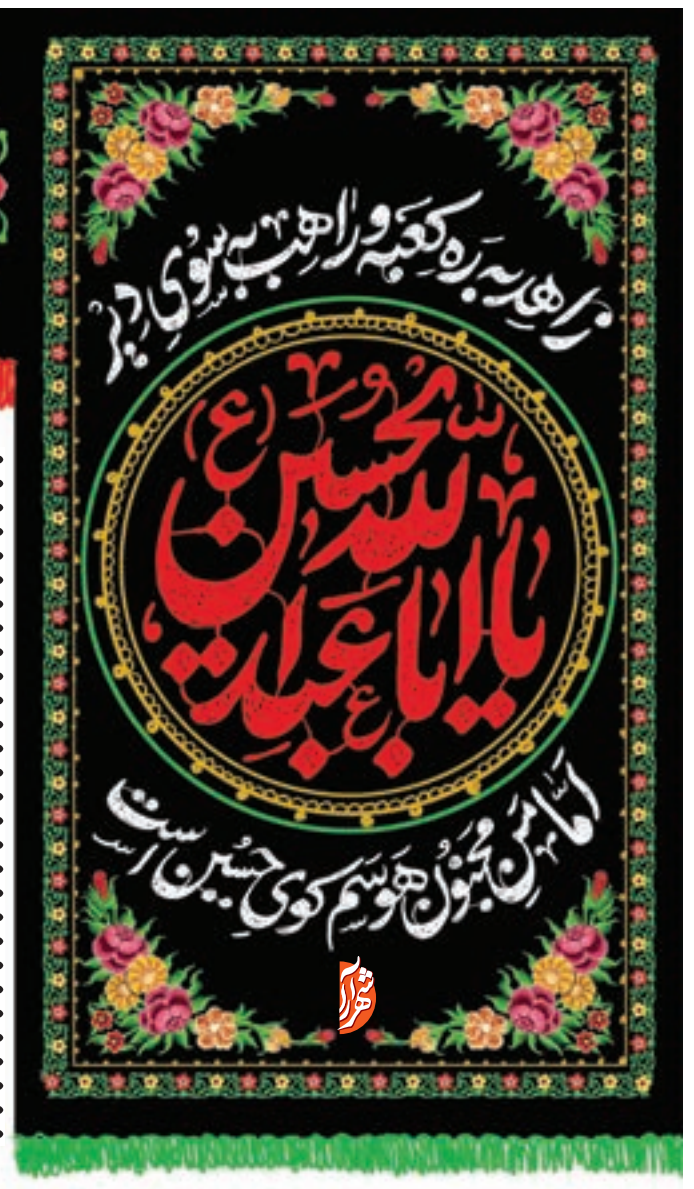

طرح: استودیو شهرآرا/ حمید قربان‌پور

بررسی واقعه کربلا از منظر تاریخ دینی

رسانه حق ایجاد امید می‌کند

پای منبر

در گستره تاریخ، شاهد مواجهه حق و باطل بوده‌ایم و این مبارزه از زمان خلقت تا به امروز ادامه یافته است. ماندگارترین این تقابل حق و باطل؛ واقعه کربلا بوده است. برای بررسی مواجهه حق و باطل در تاریخ و رابطه عاشورا در نمود تاریخی این تقابل، تلمذ کردیم در پای منبر استاد حجت‌الاسلام محمدجواد نظافت پژوهشگر، خطیب و مؤسس و مدیر عالی مدارس علمیه حضرت مهدی (عج) که سخنران ویژه روز خبرنگار و عزاداری اباعبدا... الحسین (ع) در روزنامه شهرآرا بودند.

دوجریان از ابتدای خلقت شکل گرفته است؛ یکی جریان حق و دیگری جریان باطل. این جریان از وقتی که خدا حضرت آدم (ع) را به عنوان ولی و پیامبر خود برگزید، به وجود آمد. زمانی که خدا حضرت آدم (ع) را آفرید از فرشتگان خواست که به عنوان اشرف مخلوقات بر ایشان سجده کنند، در قرآن داریم که آمده است: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الانسانَ مِن صلْصالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسنُونٍ» گلی که سیاه و متعفن بود. این ویژگی‌ها را خدا عمدا در ایشان قرار داده بود تا شرک درونی شیطان آشکار شود. اگر خدا می‌خواست می‌توانست چهره زیبایی به ایشان بدهد یا نوری در چهره ایشان قرار دهد، اما این کار را نکرد و شیطان گفت: من هرگز برای بشری که او را از خاک خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده است سجده نخواهم کرد. «قال لم اکن لاسجد لبشر خلقته من صلصال من حما مسنون» خداوند «ابلیس» را به دلیل سرکشی و طغیانگری مؤاخذه کرده است؛ «گفت: چه چیز سبب شد که در برابر آدم (ع) سجده نکنی و فرمان مرا نادیده بگیری»؟ (قالَ ما مَنَعَکَ أَلاّ تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُکَ) او در پاسخ انسان را تحقیر کرد و گفت: «من از او بهترم، به دلیل اینکه مرا از آتش آفریده‌ای و او را از خاک و گِل!» (قالَ أَنَا خَیْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنی مِنْ نارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طین) به همین سبب خداوند او را از آن مقام برجسته و موقعیتی که در صفوف فرشتگان پیدا کرده بود بیرون کرد، اما داستان شیطان به همین جا پایان نیافت، او زمانی که خود را مطرود دستگاه خداوند دید، از خدا خواست به او مهلت بدهد: «گفت: خدایا! مرا تا پایان دنیا مهلت ده و زنده بگذار!» (قالَ أَنْظِرْنی إِلی یَوْمِ یُبْعَثُونَ) این تقاضای او به اجابت رسید و خداوند فرمود: «به تو مهلت داده خواهد شد.» (قالَ إِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرینَ) و این گونه بود که جریان باطل در برابر جریان حق شکل گرفت. جریانی که سردمدارش شیطان بود و در برابرش سلسله انبیا و اولیای خدا قرار دارد.

جایگاه عاشورا در نظام خلقت

داستان عاشورا را باید در این جریان ببینید. این جریان همچنان هم ادامه دارد و در امروز هم هست. به همین دلیل می‌گوی dم: «کُلُّ یَومٍ عاشورا وَ کُلُّ أَرضٍ کَربَلا» به همین دلیل در زیارت عاشورا می‌گوییم: خدایا روزی من کن تا بتوانم انتقام بگیرم. «اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ»

در جبهه حق همین گونه است که هر کسی یک کاری دارد. از قدیم جنگ روایت‌ها بوده است. جنگ رسانه‌ها بوده است. ابزار و آلات تغییر می‌کنند، اما این جنگ وجود دارد. شیطان یکی از کارهایش همین است، باطل را تزیین می‌کند، بنابراین عزیزانی که خبرنگار هستند می‌دانند که در برابر این جبهه هستند، سردمدار این جبهه شیطان است و کارش تزیین دروغ، تزیین شایعه و آمیخته کردن حق و باطل با یکدیگر است. کارش فریبکاری است، چرا رهبر معظم انقلاب مکرر از جهاد تبیین می‌گویند. تبیین یعنی می‌خواهیم شفاف‌سازی کنیم، یعنی یک کارکن که تبین شکل بگیرد. دو تا مسیر است مسیر رشد و مسیر غیر. جهاد تبیین همین است با آگاهی انتخاب کند. نه اینکه فریب شیطان را بخورد. یکی از صفات شیطان که در قرآن آمده است این است که می‌گوید: یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلاَ تَغُرَّنَّکُمُ الْحَیَاةُ الدُّنْیَا وَلاَ یَغُرَّنَّکُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ. یعنی «ای مردم! وعده خداوند حقّ است؛ مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد، و مبادا شیطان شما را فریب دهد و به (کرم) خدا مغرور سازد!»

سازوکار جبهه باطل

اگر بخواهیم بدانیم کار جبهه باطل چیست؟ باید بدانیم شیطان چه می‌کند؟ بخشی از این در گفتار خود شیطان است. بزرگ‌ترین دشمن اگر شگردش را بدانی، می‌توانی بر او پیروز شوی. این طور نیست که خدا به شیطان نیرو ندهد، روزی ندهد، نه آن‌ها هم می‌توانند از قوانین دنیا و طبیعت کمک بگیرند. قواعد دنیا در اختیار مؤمن و کافر است. پس خدا چگونه به مؤمن کمک کرده است؟ روش شیطان روش کفار است، بنابراین مؤمنین باید از روش‌های شیطان فاصله بگیرند. او باطل را بزک می‌کند و زیبا جلوه می‌دهد. یکی دیگر از شگردهای شیاطین ناامیدسازی است، یعنی گرفتن انگیزه مقاومت. انگیزه بسیار مهم است. انگیزه در موفقیت ما حرف اول را می‌زند. پس یکی از کارهای جبهه باطل این است که ناامیدی ایجاد کند. کار منافق این است که مانع مقاومت شود. امید در مقاومت است. امید واقعی چگونه فراهم می‌شود؟ نعمت‌ها را باید گفت. نعمت‌ها را باید برشمرد. یکی از کارهای شیطان این بود که فرزند آدم را متوجه آنچه ندارد، می‌کند. در حالی که خدا ما را متوجه نعمت‌ها می‌کند. خدا نمی‌گوید که شاکر باشید؟ نمی‌گوید که نعمت‌ها را به یکدیگر یادآوری کنید؟ نمی‌گوید پیوسته حمد کنید. نمی‌گوید که بعد از هر نماز سر به سجده بگذارید و سه مرتبه بگویید «شکرا...» نمی‌گوید اگر نعمت‌های خدا را بشمارید به انتها نمی‌رسید. خدا ما را متوجه نعمت‌های مادی و معنوی می‌کند. یکی از ذکرها، ذکر نعمت است. یکی از آن‌ها ذکر نعمت است که در زیارت امین‌ا... می‌گوییم؛ خدایا ما را ذاکر نعمت کن. وقتی ذاکر نعمت باشیم. شاکر نعمت می‌شویم. ملتی که شاکر نعمت‌های خود است، دارای بهجت و سرور است.

ملتی که نعمت‌هایش را بشناسد و آن‌ها را شکر کند، خداوند نعمتشان را افزون می‌کند

رابطه شکر و شادی درونی

خداوند می‌گوید شاکر باش. چطور شاکر باشیم؟ شاکر باش یعنی چه؟ شکر سه مرحله دارد. شکر قلبی، یعنی نعمت را ببین و بدان برای خداست. این یعنی شکر قلبی. آن‌هایی که می‌فهمند در گرفتاری‌ها می‌گویند: الحمدلله. ما در زیارت عاشورا داریم: «اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمدلله علی عظیم رزیتی» مصیبت سیدالشهدا خیلی بزرگ است؛ اما می‌گوییم الحمدلله. شما در سیره امام سجاد (ع) و احوال تمام اسرا این را می‌بینید که شاکر هستند. این‌ها دست‌پرورده این مکتب هستند، هیچ کس گله نکرده است. می‌گوید دیدی خدا چه بلایی بر سر شما آورد و حضرت زینب (س) پاسخ می‌دهد: چیزی جز زیبایی ندیدم. واقعا هم این طور است برایشان. چون ایشان هدف دارند برای زندگی. زیبا از نظر حضرت زینب (س) چیست؟ هر چه که ایشان را از هدف دور می‌کند، می‌شود زشت و هر چه که ایشان را به هدف نزدیک می‌کند، می‌شود زیبا. وقتی آدم هدف داشته باشد، تعریف‌هایش هم از زشتی و زیبایی درست می‌شود. مرحله بعدی شکر زبانی است. هر کس حالت را پرسید بگو خدا را شکر. مدام شکر بگو به دیگران انگیزه بده. سنت خدا این است. ملتی که نعمت‌هایش را بشناسد و آن‌ها را شکر کند، نعمتشان را افزون می‌کند. مرحله بعدی شکر عملی است. سخت است؛ اما سنت خدا این است که اگر نعمتی به جریان بیفتد خدا آن را افزایش می‌دهد. حضرت امیرالمؤمنین در نامه‌شان به مالک می‌گویند مردم را ستایش کن، نسبت به خوبی‌هایشان، چرا چون این ستایش مردم را به حرکت می‌اندازد. پس کار خدا این است که به ما امید می‌دهد و کار ما هم باید همین باشد.

ناحیه مقدسه

جایی که زمین بی‌تاب می‌شود...

مسجد حنانه

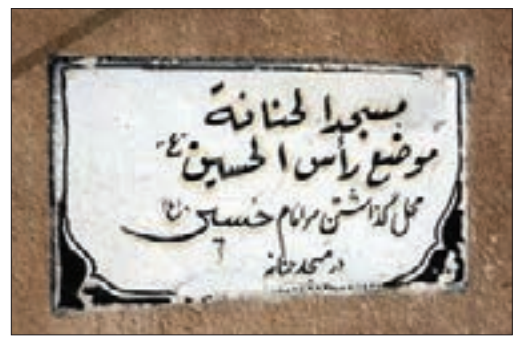

امروز به تماشای کدام خاک و سرزمین برویم؟ که جای جای خاک عزادار است و زمین هنوز داغدار حسین بن علی است، که هستی؛ زیر بار این مصیبت است. که زمین می‌فهمد. خاک جان دارد؛ می‌فهمد. می‌فهمد چه کسی بر رویش قدم می‌گذارد. گاه خسته است و می‌نشیند، گاه سر می‌گذارد یا سر را می‌گذارند. خاک می‌فهمد خستگی از شادی است یا غم؛ آه دل را می‌فهمد. نفس گرم خسته را حس می‌کند. خاک می‌داند، هر سری بدن دارد و هر بدنی، سر! می‌فهمد عجیب است سر بدون بدن...

کاروان اسرای کربلا عصر روز دهم از کربلا به سوی شام به حرکت درآمدند و در این راه در منزلگاه‌های متعددی توقف کردند. در یکی از این منازل، سپاهیان بنی امیه، نیزه‌هایی را که سر مطهر شهدا روی آن‌ها قرار داشت؛ بر روی زمین قرار دادند تا استراحت کنند که ناگاه صدای ناله‌ای جانسوز از زمین بلند می‌شود. زمینی که سر مطهر سیدالشهدا (ع) روی آن قرار گرفته، تاب مصیبت را نداشته و آهش بلند می‌شود.

مسجد حنانه، نام منزلگاهی است که بیست و یک سال قبل‌تر نیز هنگام تشییع مخفیانه پیکر مطهر امام علی (ع) ستونش طاقت نیاورده و خمیده شد. نام این مسجد هم به همین دلیل حنانه گذاشته شده است. این مسجد در محله حنانه در شمال شهر نجف، در فاصله ۲٫۵ کیلومتری از حرم مطهر امیرالمومنین (ع) و در نزدیکی مرقد کمیل بن زیاد، قرار گرفته است.

روضه مکتوب

سلام ما به توای سومین امام، حسین (ع)

امروز می‌خواهیم از همین جا... به آقامون سلام بدیم....

سلام ما به توای سومین امام حسین (ع)
که در حضور تو مهدی کند سلام حسین (ع)

امروز امام زمانم سلام می‌ده... اما... به بدن‌های بی سر... روی خاک... سلام ما به اون بدن‌هایی که بی غسل و کفن... سه روز روی زمین کربلا بود...

سلام بر تو و آن قطره‌های خون سرت
که ریخت روی زمین در مسیر شام حسین (ع)
سلام بر تو و بر مهدی‌ات که روز ظهور
ز دشمنان تو بستاند انتقام حسین (ع)

ان شاءا... امام زمان می‌آد...

انتقام خون به ناحق ریخته حسین رو می‌گیره...

ز دشمنان تو بستاند انتقام حسین (ع)

یا بن الحسن...

بعد از سه روز پیکر سرخش کفن نداشت

سه روز بدن عزیز زهرا... بی غسل و بی کفن... روی زمین گرم کربلا...

بعد از سه روز پیکر سرخش کفن نداشت
یوسف ترین شهید خدا پیرهن نداشت

از بس که پیکرش شده پامال اسب‌ها
یک جای بی جراحت و سالم، بدن نداشت

چه کردند با بدن پاک عزیز زهرا... مثل یه همچین روزی... وقتی بنی اسد اومدند کربلا... نگاه کردند دیدند این نانجیب‌ها بدن‌های خودشون رو دفن کردند... اما بدن عزیز زهرا حسین... روی زمین کربلا... ای وای... ای وای

از حاج آقای شوشتری نقل شده است که پیامبر به عادت همیشه خود اظهار محبت به سیدالشهدا می‌کرد و با ایشان بازی می‌کردند، عایشه به پیامبر (ص) گفت: چقدر تو این کودک را دوست داری؟ حضرت فرمودند: وای بر تو. چگونه دوستش نداشته باشم و از او خوشم نیاید و حال آنکه او میوه دل من و روشنی چشم من است. بعد فرمودند: امت من بعد از من او را می‌کشند، هر کس بعد از وفاتش به زیارت او برود، خداوند در نامه عملش یک حج از حج و عمره‌های مرا می‌نویسد. عایشه تعجب کرد و عرض کرد: یا رسول ا... حجی از حج‌های شما؟! حضرت فرمودند: بله، بلکه خدا دو حج مرا به آن زیارت دهنده می‌دهد. باز عایشه تعجب کرد و حضرت زیاد کردند تا رسید به ۹۰ حج و ۹۰ عمره و فرمودند: خداوند به او ۹۰ حج من و ۹۰ عمره از عمره‌های من را می‌دهد.

عرض ادب

زینب ای کان شرف ای پاک ناموس خدا
گوهر دُرج عفاف و عصمت و زهد و حیا
دختر اُمّ ابیها، زین اَب، اُخت الحسین
مرد معراج شهادت نور چشم مصطفی
مستجار هر دو گیتی بنت قتّال العرب
در شجاعت همچو باب خود علی مرتضی
دومین بانوی اسلامی توای دُرّ ثمین
برتری از هر زنی جز مادرت خیرالنسا
فاطمه شد کوثر پیغمبر و تو کوثری
مادرت را تا به روز محشر و یوم الجزا
کاف و هاء و یاء و عین و صاد شرح صبر توست
قهرمان صبری و اسطوره عشق و وفا
نگسلد زنجیر عهد از همت مردانه‌ات
رایت حلم و شرف افراشتی در نینوا
کوفه محکوم است از امرت به حکم اُسکُتو
شور و غوغا شد به پا از گرمی آن خطبه‌ها
کوفیان ای اهل خَذل و غَدر و مکر و هم وغا
ها "اَتَبکونَ فَلا رَقعاتِ الدَمعَة" ها
کعبه کروبیان باشد مزار پاک تو
کعبه امید تو شد خامس آل عبا
کسنوی امیدوار از درگه پر فیض تو
عاصی و درمانده اما بر تو دارد التجا

شعری از رضا کسنوی یزدی

شریعه

زیارت امام حسین (ع)

عکس: محمدحسن صلواتی | شهرآرا

مادر می‌گوید قدیم ترها محرم و صفر که می‌آمد سازوکار زندگی ما تغییر می‌کرد. ظاهر خودمان و زندگی‌مان، محله‌مان، رفت‌وآمدها و حتی ساعت خواب و بیداری‌مان عوض می‌شد. به این فکر می‌کردیم که اگر پول سفر و زیارت کربلا نداریم حداقل محرمی بشود دلمان کربلایی بشود، عزادار بودیم برای امام حسین (ع) و برای خودمان که دوریم و دستمان به تربت و چشممان به گنبدش نمی‌افتد. به احادیث ائمه نگاه می‌کنم و می‌بینم چقدر به زیارت کربلا توصیه شده است، شاید برای همین مادرم از آرزوهایش که می‌گوید حتما از زیارت کربلا نام می‌برد. حمران می‌گوید هنگامی که از سفر زیارت امام حسین (ع) برگشتم، امام باقر (ع) به دیدارم آمد و فرمود: ای حمران! به تو مژده می‌دهم که هر کس قبور شهیدان آل محمد (ص) را زیارت کند و مرادش از این کار رضایت خدا و تقرب به پیامبر (ص) باشد، از گناهانش بیرون می‌آید مانند روزی که مادرش او را زاده است و در جایی دیگر نیز از ایشان نقل شده است که: هر کس که می‌خواهد مسکن و مأوایش بهشت باشد، زیارت مظلوم امام حسین (ع) را ترک نکند. هرچند با مفهوم زیارت از ایشان احادیث دیگر هم داریم، اما خواندنش خالی از لطف نیست که می‌گویند: زیارت قبر رسول خدا (ص) و زیارت مزار شهیدان و زیارت مرقد امام حسین (ع) معادل است با حج مقبولی که همراه رسول خدا (ص) بجا آورده شود.

از امام صادق (ع) نیز حدیث دیگری داریم که فرمود: مرقد امام حسین (ع) را زیارت کنید و با ترک زیارتش به او ستم نورزید، چرا که او سید جوانان بهشت از مردم و سالار جوانان شهید است و همچنین تأکید کرده‌اند زیارت قبر امام حسین (ع) از بهترین کارهاست که می‌تواند انجام شود.